

## ننگ دگری بر وکلای بیکاره و امتیاز طلب پارلمان افغانستان

یکی دیگر از مصوبات شرم آگین و کاملاً بی سابقه اعضای پارلمان افغانستان، فقط در همین روز های پسین، پیش چشم تیز بین و اما، حیرت زده شهروندان کشور صورت گرفت و این قول حافظ شیراز در مورد آنها کاملاً مصداق یافت که فرمود: از پرده کار زهد فروشان برون فتاد

### روزیکه پا به دایره امتحان زدند .

هرچند سالها قبل، آنگاه که پارلمان نشینان بیکاره زورگو و زهد پناه، معامله ننگین سازش و بخشایش برای خویشتن خویش، یعنی عفو و گذشت متقابل از جرم و جنایت چندین ساله خودشان علیه ملت افغانستان را به تصویب رسانیدند، پرده از روی کار این زهد فروشان برافتاد و اصل ماهیت رییس جمهور نیز بخاطر توشیح آن آفتابی تر گشت، ولی با آنهم، بودند کسانی که می پنداشتند کرسی نشینان پارلمان شاید با گذشت زمان و چشمدید های روز تا روز شان از حال زار ملک و ملت و با تجربه اندوزی های کافی از جفا و ریای (غیر) و بالاخره با استماع انتقاد ها و اعتراض های عامه، دیگر، اصلاح پذیر و یا نادم از کرده های ماضی شده باشند. و اما، مصوبه اخیر، آنهم در مراحل پایانی دوره کاری پارلمان و در آستانه کشمکشهای انتخاباتی و تجاوزهای مسلحانه و خونین مخفی و علنی دشمنان داخلی و خارجی علیه هستی ملی و اجتماعی ما و در شب و روزیکه حتا بقا و موجودیت مام میهن مورد سؤال قرار گرفته است، یکبار دیگر، غافل ترین و ساده انگار ترین بخشهای مردم ما را تکان داد و نفرت شان علیه "وکلا" ی شان را برانگیخت.

نکات عمده و مهم مصوبه اخیر آقایان پارلمان نشین، باساس گزارشهای مطبوعات کشور، ازینقرار است:

- 1) آقا یا خانم "نماینده"، پس از پایان دوره کارش (یعنی آنگاه که دیگر عضو پارلمان نیست)، "باید" بیست و پنج درصد حقوق ماهیانه زمان کار رسمی اش را، آنهم "مادام العمر" دریافت کند.

(2) هر " نماینده " در حالیکه دیگریک نماینده نه، شهروند عادی کشور است ، " باید " دو محافظ ( طبعاً مجهز با سلاح، با حقوق ماهیانه و سایر مخارج ) با خود داشته باشد.

(3) هر " نماینده " وقتی پارلمان را ترک میگوید و دیگر کار و وظیفه رسمی ندارد، " باید " دارای پاسپورت سیاسی باشد.

(4) هر " نماینده " در صورتیکه یک شهروند عادی مملکت است ، " باید " حق داشته باشد بعنوان " شخصیت ملی " در محافل و مجالس رسمی و دولتی اشتراک نماید ( رسماً از وی دعوت بعمل آید )

این طرح و تقاضای امتیازطلبانه " نماینده گان " در پارلمان افغانستان در حالی " با اکثریت آرا " و با شتابی بی مانند از سوی " وکلا " به تصویب میرسد که امتیازات متعدد دیگر مانند غذای مفصل روزانه، لشکری از افراد پولیس ( چهارصد و پنجاه نفری ) محافظان پارلمان، از یک تا سی محافظ مسلح برای حفظ جان هر یک از " نماینده " ها ، " خرچ دسترخوان " یا مصرف مهمان داری، موترهای ضد گلوله ، معاش ماهیانه ( دوصد هزار افغانی ) و امثالهم را نیز نصیب شده اند.

حال، اگر خدای نخواست، مصوبه مورد نظر، از سوی رییس جمهور توشیح شود، در آن صورت کس نمیداند توشیح کننده ، چگونه و با کدام جرأت، مسولیت سنگین تاریخی را می پذیرد ؟

یک محاسبه عاجل و تقریبی، این نتیجه را بما می بخشاید :

1) هرگاه رییس و اعضای پارلمان به شمول افراد فنی و اداری و ... سه صد نفر باشند و برای هر کدام آنها پس از ماموریت رسمی، پنجاه هزار افغانی ( بیست و پنج درصد معاش کنونی ) پرداخته شود، مجموع پولیکه باید در هر سال برای یک نفر تادیه شود عبارت از مبلغ 600000- افغانی (شش صد هزار افغانی) خواهد بود.

پرداخت بیست و پنج درصد حقوق ماهیانه سه صد نماینده دریکماه 15000000 ملیون و دریکسال بالغ بر 18000000- افغانی (یک هزار و هشتصد ملیون افغانی) میگردد که باید از جیب خالی ملت فقیر افغانستان پرداخته شود.

(2) اگر برای هر نفر، دو محافظ ، دو میل تفنگ با ملحقات آن و لااقل وجه پنجهزار افغانی معاش ماهیانه پرداخت شود، برای ششصد محافظ در هر سال مجموعاً باید مبلغ 3000000 ملیون ( سی ملیون افغانی ) باید باز هم از جیب خالی ملت تادیه گردد.

3) در مورد برخورداری آقایان از پاسپورت سیاسی، آنهم در صورتیکه دیپلمات نه، بلکه شهروند عادی کشور هستند، باید پرسید که چه رمز و چه منطق در تقاضا نهفته خواهد بود؟ یک شهروند عادی مملکت، چه نیازی به پاسپورت سیاسی خواهد داشت؟ آیا این امتیاز خواهی سیاسی از سوی آقایان، نهایتاً گریز از کشور (به سهولت) و یا سواستفاده از امتیازات پاسپورت سیاسی در خارج را افاده نخواهد کرد؟

4) این تقاضا یا تصویب پارلمان، تنها امتیاز طلبی برای آقایان پارلمانی نشین پس از خدمت شان نیست، بلکه حتماً میخوانند برای اعضای خانواده شان نیز که معلوم نیست آیا این اعضای خانواده از سواد عادی هم برخوردار خواهند بود یا نه، "باید" پاسپورت خدمت صادر شود. درحالیکه پاسپورت خدمت اصولاً تنها برای مامورین و کارمندان رسمی دولت صادر میگردد.

یکی از "نمایندگان" های پارلمانی، به پاسخ سوال یکی از خبرنگاران برنامه تلویزیونی آریانا در نیمه ماه جولای در کابل گفت که "وکلاهی محترمی که نام بعضی از افراد مافیا را افشا نموده اند، در آینده جان شان در خطر خواهد بود، بنابراین به محافظت نیاز خواهند داشت و ..."

ابراز این دلیل بسیار خنده آوراست. هرگاه یک نماینده مجلس از تصویب قوانین مفیده و افشای نام یا ماهیت مافیای مواد مخدر، غاصبان زمین و یا فاسدان مالی و اداری و همچنان، خاینان و جنایتکاران مختلف در مملکت هراس داشته باشد، بهتر همانست که هرگز خودش را برای "وکیل" شدن و رفتن به پارلمان، آنهم در ازای مصارف ملیونها دالر و دینار زحمت ندهد. زیرا دران صورت، هرگز نمیتواند در پارلمان که از مصونیت قانونی هم بر خوردار میباشد، حرف اصولی بزند و یا کار صادقانه به موکلین و در نهایت برای مملکت خویش انجام دهد.

نکته دیگری که در همینجا قابل تذکر است، اینست که اکثریت "نمایندگان" ها، اشخاص ثروتمند، قدرتمند، متنفذ، صاحب سرمایه های کلان، و برخوردار از عواید سرشار اند. چنانکه همه به یاد داریم، "ظاهر قدیر" نماینده مردم ننگرهار، علاوه از آنکه از سوی وزیر مالیه متهم به قاچاقبری و سوء استفاده های دیگر شد، در یکی از جلسات پارلمان، خطاب به وکلا، باصراحت و بدون پرده پوشی اظهار نمود که "صاحب سه صد ملیون دالر، پنجاه عراده موترضد مرمی و ... و ... میباشد"

با تذکر این نکته که دران مجلس و دران موقع، هیچ کس سراغ نشد از آقای قدیر "تفنگسالار" بپرسد که آنهمه ثروت و مکننت را از کجا آورده بی؟ و یا خون چند هزار انسان را در ازای چنین اندوخته عظیم مکیده بی؟ دلیل این سکوت همه گانی و نپرسیدنها هم این بود و هست که اکثریت قاطع کرسی داران پارلمان، ریشه و بنیاد مشترک دارند.

حال، از چنین " نماینده " های پارلمان نشین که متأسفانه تعداد زیادی از آنها درحالیکه صاحب همه چیزدنیایی اند، ولی برخی از آنها حتا فهم و سواد کافی هم ندارند، انتظار قانون سازی و مبارزه با فساد و نظارت بر اعمال حکومت و حراست از حق و عدالت و امثالهم را داشتن، در حکم ساده لوحی محض نیست؟

آیا کسی سراغ خواهد شد نمونه ای از یک چنین مصوبه غیرمدنی و منفعت جویانه ضد منافع ملی را در کدام گوشه ای از جهان نشان دهد؟

آیا اگر حامد کرزی یا هر رییس جمهور دیگر، خواه خواه چنین یک مصوبه خالی از منطق و انصاف و انسانیت را توشیح نماید، ارزش و اهمیت مقام ریاست جمهوری کشور را نزد ملت افغانستان و مردم جهان زیر پا نخواهد کرد؟

من سخت آرزومندم این مصوبه خالی از مایه و منطق، هرگز پذیرفته نشود و به هیچصورت از سوی شخص اول مملکت توشیح نگردد.

سیل سرشکِ ما ز دلش کین بدر نبرد      درسنگِ خاره قطره باران اثر نکرد (حافظ)

(پایان)